

پیرنوی از غدیر

حضرت آیت الله شیخ محمد یعقوبی «دام ظلّه»

مترجم: جواد سالمی

سرشناسه	:	یعقوبی، محمد.
قراردادی	:	من وخی الغدير، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	پرتویی از غدیر/ مولف محمد یعقوبی (مد ظله العالی)؛ تحقیق و تعلیق علی خلیفه جابر؛ مترجم جواد سالمی.
مشخصات نشر	:	قم، دارالفکر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۱۷۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۱۰۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	قیفا.
موضوع	:	یعقوبی، محمد. - پیامها و سخنرانیها
موضوع	:	غدیر خم
شناسه افزوده	:	سالمی جبارزاده، جواد، ۱۳۶۲-، مترجم
شناسه افزوده	:	جابر، علی خلیفه
رده بندی کنگره	:	BP۲۲۳/۵:۴۱۱۳۹۵م
رده بندی دیویی	:	ش ۲۹۷/۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۶۹۹۶۶



انتشارات دارالفکر
تاسیس ۱۳۳۶

مؤسس مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آقای آخوند سید عبدالحمید مولانا

پرتویی از غدیر

مؤلف: حضرت آیت الله شیخ محمد یعقوبی (مد ظله)
مترجم: جواد سالمی
ناشر: انتشارات دارالفکر
چاپخانه: قدس- قم
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۱۰۰-۸ ISBN 978-600-270-100-8

دفتر مرکزی: قم خیابان معلم، مجتمع ناشران پلاک ۳۶
تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴، ۳۷۷۳۳۶۴۵، فاکس: ۳۷۷۲۸۸۱۴
دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،
روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحد یک تلفن: ۶۶۴۰۸۹۲۷
فروشگاه تهران: ۶۶۴۰۹۳۵۲

www.darolfekr.com کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است info@darolfekr.com

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۳	پیشگفتار: وسعه و رسالت غدیر خم
۲۳	فصل اول: پیامی از غدیر: ضرورت امامت
۲۵	مقدمه
۲۸	مسئولیت پیامبر(ص) در تعیین امام(ع) و ادله‌ی آن
۲۸	تداوم و استمرار نقش رسالت
۲۸	غصب منصب الهی از سوی افراد ناشایست
۲۹	حفظ امت از تفرقه و فروپاشی
۳۰	تضمین آینده رسالت
۳۲	پیامبر(ص) و جانشینی پس از خود
۳۳	منافقان و طمع حکومت
۳۶	اعتراف خودی‌ها به وقوع انحراف
۳۸	خاموشی اسلام با توطئه دشمنان
۴۱	دشمنان خارجی
۳۹	دو دیدگاه مکتب ولایت و مکتب خلافت
۴۰	اعتقاد اهل سنت در خصوص جانشینی پیامبر(ص)
۴۰	عجز مردم از تحمل چنین مسئولیت بزرگی
۴۲	عدم وجود پدیده توکیل در مصادر تاریخی
۴۲	عدم التزام خلفاء به اصل اختیار و نظریه توکیل
۴۳	علم و عصمت لازمه این منصب



- ۴۵..... ارتکاز ذهنی مسلمین، ابتدای تعیین امام بر نص
- ۴۶..... عدم برخورداری شخص نبی(ص) از اختیار توکیل
- ۴۷..... اعتقاد شیعیان در خصوص جانشینی پیامبر(ص)
- ۴۸..... علی(ع) جامع کمالات
- ۵۲..... پیامبر(ص) و خوف انحراف امت
- ۵۴..... فرمان نصب علی(ع) به ولایت امر
- ۵۶..... روز غدیر، عید بزرگ اسلامی
- ۵۹..... چرایی انتخاب عید غدیر به عنوان بزرگ ترین اعیاد اسلامی
- ۶۲..... مکتب محبوب پیامبر خاتم (ص)
- ۶۵..... فصل دوم: برنامه ریزی رسول خدا(ص) برای خلافت پس از خویش
- ۶۷..... روش اول نص، مستقیم در تعیین ولی امر
- ۶۸..... روش دوم: معرفی صحابه بصیر و مخلص
- ۷۱..... روش سوم: تعیین نواعد و ضوابط افراد واجد صلاحیت مقام ولایت
- ۷۳..... آیات و روایات دیگری شناخت حق از باطل
- ۷۵..... منطبق بودن چهار راهبر ائمه
- ۷۸..... چرایی محقق نشدن اهدای رسول خدا(ص)
- ۸۰..... رهبر دینی در دوران غیبت امام معصوم (ع)
- ۸۳..... فصل سوم: خسارت های ناشی از رعایت و خلافت نا اهلان
- ۸۵..... نزاع دو جریان خلافت - ولایت بر سر جانشینی
- ۸۷..... جریان و خط ولایت
- ۸۷..... جریان و خط خلفاء
- ۸۸..... التزام و پایداری پس از جریان شناسی صحیح
- ۸۹..... فهم صحیح پس از شناخت پیامدهای تصدی نا اهلان
- ۹۰..... خسارت و زیان اول: تصدی مقام امامت از سوی افراد ناشایست
- ۹۵..... اول: تحریف چهره واقعی اسلام
- ۹۵..... دوم: جرأت یافتن دشمنان اسلام و به ویژه یهودیان
- ۹۶..... سوم: چشم طمع مقام پرستان و جاه طلبان به منصب خلافت
- ۹۶..... خسارت و زیان دوم: فتح باب اجتهاد در مقابل نص

۹۹.....	خسارت و زیان سوم: عدم تربیت و تکامل دینی امت اسلامی
۱۰۰.....	نتیجه اول:
۱۰۱.....	نتیجه دوم:
۱۰۳.....	نتیجه سوم:
۱۰۴.....	خسارت و زیان چهارم: چند پارگی، تفرقه و تقسیم امت اسلامی
۱۰۷.....	خسارت و زیان پنجم: جداسازی مطلق و همه بعدی دین از سیاست
۱۰۸.....	نظریه جدائی دین از سیاست
۱۰۹.....	خسارت و زیان ششم: جدایی میان نهاد خلافت و امت
۱۱۰.....	اخلاق و منش اهل بیت (ع)
۱۱۴.....	خسارت و زیان هفتم: به تأخیر افتادن تحقق تمدن انسانی
۱۱۶.....	تشویش املات به ننگهداشتن روز غدیر خم
۱۱۸.....	رهبری دین و مرجعیت
۱۱۸.....	شکل اول: مرجعیت فردی
۱۱۹.....	شکل دوم: مرجعیت اجتماعی
۱۲۱.....	فصل چهارم: کنکاشی در شناخت مسئله اوایل حدیث غدیر
۱۲۵.....	متواتر بودن حدیث غدیر
۱۲۵.....	بخش اول: صحابه روایت کننده حدیث غدیر
۱۴۹.....	بخش دوم: تابعین روایت کننده حدیث غدیر
۱۲۱.....	ضمیمه: متن و ترجمه خطبه شفشقیه

دین اسلام به عنوان خاتم ادیان الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیان عرضه شد و آئین و رسالت سفیران و پیامبران الهی با نبوت ایشان پایان پذیرفت. دین اسلام در شهر مکه با طلوع خورشید آن دیار، یعنی وجود مبارک پیامبر اکرم «صلى الله عليه وآله» متولد شد، و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسا برای ترویج دین خدا صلی الله علیه و آله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی آن سرزمین را فرا گرفت.

استمرار این راه سعادت و فلاح در هجرت به مدینه الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به دومین انسان کامل پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یعنی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مقرر شد. در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد رضایت حضرت علی (علیه السلام) گردید. این چنین شد که کافران و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند و...

نوشتار پیش رو ترجمه کتاب (من وحی الغدير) که حاصل چند سخنرانی حضرت آیت الله شیخ محمد یعقوبی (دام ظلّه) در جمع فضلا و طلاب حوزه علمیه نجف اشرف است که طی سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲م در اوج اختناق رژیم بعثی در نجف اشرف و در جمع فضلا و طلاب حوزه این شهر مقدس و در خصوص غدیر و اثبات ولایت امیرالمومنین (ع) ایراد شده است کتابی که مبدأ ترجمه قرار گرفته شده نسخه ای است که توسط شیخ علی خلیفه جابر، مورد تحقیق و منابع آن



استخراج شده است اما متأسفانه منابع را بصورت مستقل که تمام نشانی آنها بطور مفصل آورده شود نیست، در ترجمه سعی گردید فقط پاورقی ها را تا اندازه ای که نشانگر منابع مطالب تاریخی و روایات را بطور اجمالی آمده را، بهمان صورت ترجمه کنیم و اقرار می کنیم که، جای فهرست منابع در کتاب خالی است و اگر توفیق دوباره ای حاصل شود در چاپ های بعدی این کاستی جبران گردد.

فصل اول اثر جاری (پیامی از غدیر: ضرورت امامت) و فصل دوم با عنوان (رسول خدا(ص) برای خلافت پس از خویش چگونه برنامه ریزی کرد؟) حاصل دو سخنرانی ایشان در روزهای ۱۶ و ۱۷ ذی الحجه ۱۴۲۱ هـ^۱ و به مناسبت عید غدیر است که در جمع طلاب و فضایی حوزه علمیه نجف ایراد شده است.

در فصل اول به وجود دو مکتب فکری متفاوت (مکتب خلافت و مکتب امامت) اشاره شد و وجه تمایز میان دیدگاه های مذهب شیعه و مذهب اهل تسنن در خصوص جانشینی پیامبر گرامی اسلام(ص) مورد واکاوی و ارزیابی قرار می گیرد.

در فصل دوم، این امر روشن می شود که گانه تبلیغی و سیاسی حضرت رسول اکرم(ص) برای زمینه سازی و مهیا کردن فضای اجتماعی زمانه برای معرفی جانشینان پس از خود را مورد بررسی و تدقیق قرار می دهند.

فصل سوم تحت عنوان (خسارت های ناشی از زعامت و خلافت نا اهلان) در قالب یک سخنرانی عمومی و در جمع فضلاء و طلاب حوزه علمیه نجف در روز ۲۵ صفر ۱۴۲۳ هـ^۲ و به مناسبت ارتحال پیامبر اکرم(ص) در مسجد رأس الشریف این شهر ایراد گردیده و در آن به هفت خسارت معنایی اجتماعی تصدی مقام خلافت رسول خدا(ص) توسط نااهلان و افراد نالایق اشاره می شود.

فصل چهارم کتاب (کنکاشی در شناخت سلسله راویان حدیث غدیر) نیز به عنوان ضمیمه کتاب و در برگزیده بررسی سلسله راویان حدیث شریف غدیر در میان

۱ مطابق با ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ م

۲ مطابق با ۸ آوریل ۲۰۰۲ م

صحابه و تابعین رسول خدا(ص) است که در ضمن آن به حدود ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین می پردازد.

از جمله وجوه اهمیت این چند سخنرانی آن است که این بیانات در دوره اختناق و فضای خفقان حکومت بعث عراق و در سال های پایان عمر این رژیم - که به اوج قساوت و درندگی رسیده بود - ایراد شده و با این حال در آن ها به صورت مکرر به اثبات و ضرورت حکومت فقهاء اشاره شده و آن را امتداد مسیر ولایت تعریف کرده است. حال آن که در چنان فضای پراختنایی در نجف سخن گفتن از حکومت مبتنی بر ولایت فقیهان از دو جهت بسیار خطرناک بود.

نخست آن که این مدعی از نظام سیاسی، درست همان چیزی بود که در ایران به عنوان دشمن درجه اول نظام بعثی در منطقه حاکم بوده و بسیاری از شیعیان عراق - به عنوان اکثریت مردم آن کشور - نسبت به آن حساسیت های مثبت و رویکردهای همذات پندارانه ای بر آن داشتند. و چنین چیزی به هیچ عنوان خوشایند حکومت سفاک بعثی عراق نبود.

دوم آن که طرح چنین نظام سیاسی ای در درجه نخست به معنای به چالش کشیدن و طرد دیگر نظام های سیاسی و طاغوت خواندن آن ها و ضرورت از میان برداشتن آن ها بود که به طور طبیعی حکومت بعثی عراق مصداق بارز چنین حکومت هایی بود.

از همین رو این چند سخنرانی به خوبی تجلی گر رویکرد جهاد آیت الله محمد یعقوبی (دام ظلّه) به عنوان برجسته ترین شاگردان مکتب شهید صدر دوم (ره) در سال های خفقان بوده است.

در ترجمه این اثر سعی شده متن بصورت سلیس و جملات ساده و نیز پرهیز از کلمات و اصطلاحاتی که احتمال می رود خوشایند خواننده نباشد زیرا با توجه به موضوع کتاب و عمومی بودن آن لازم دانستیم که از شیوه ای برای نقل معنا از زبان مبدأ استفاده شود تا خواننده محترم در هر سطحی از دانش بتواند بهره کافی

و وافی را از آن ببرد، در متن سعی شده آیات و روایات را در عین حال که ترجمه شده، متن عربی آنها نیز آورده شوند و بجهت تمایز میان آنها از رنگ های قرمز و آبی استفاده شد، رنگ قرمز را برای آیات قرآن و احادیث اهل بیت(ع) بکار گرفتیم و رنگ آبی را برای روایاتی که از غیر معصوم نقل شده استفاده شد. در ادامه امید می رود که خواننده محترم کاستی ها را بر ما ببخشند و ما را از دعای خیرشان فراموش نسازند.

جواد سالمی

اسفند ۱۳۹۴

قم مقدس

www.ketab.ir



پیشگفتار: آنچه و رویداد غدیر خم

رسول خدا (ص) در سال دهم از هجرت مبارک خود به مدینه به قصد حج تمتع از مدینه خارج گردید. بسیاری از مردم با چشمانی بارانی و با اندوه تمام ایشان را در این سفر - که تنها حج تضرع از زمان مهاجرت از مکه تا وفاتشان بود و بعدها به «حجۃ الوداع»، «حجۃ البلاغ»، «حجۃ الکمال»، و «حجۃ التمام» شهرت یافت - همراهی نمودند.

پیامبر گرامی در این سفر غسل نمود و در آخرین شب ماه ذی القعدة و با پای پیاده و صرفاً با دو لباس (ازار و رداء) و همراه خانواده، اهل بیت و عموم مهاجرین و انصار و قبایل مختلف از مدینه - سهول مکه آهنگ خروج نمودند. هنگام خروج حضرت بسیاری از مردم به بیماری ابتلا یا حمله مبتلا شده و لذا نتوانستند ایشان را همراهی کنند، با این حال جمعیت انبوهی در رکاب ایشان حضور یافته و به مقصد مکه با ایشان به راه افتادند. به طور طبیعی مسیر قبائلی که از دیگر نقاط شبه جزیره (همچون یمن و افراد مقیم مکه) به بیت السلام وارد می شدند به مراتب بیشتر از این بوده و در نتیجه در آن سال خانه خدا شاهد شلوغ ترین حج خود در دوره حیات مبارک رسول خدا (ص) بود.

حضرت منزل به منزل به مسیر خود ادامه دادند تا این که ظهر سه شنبه وارد مکه شدند. ایشان پس از اتمام مناسک حج و به پایان رساندن فریضه خود به



همراه کاروانی بزرگ به سوی مدینه باز می گشتند تا این که در روز پنج شنبه ۱۸ ذی الحجه از طرف «جحفه» به منطقه غدیر خم رسیدند که در آن جا مسیر کاروان های مدینه، مصر و عراق از یکدیگر جدا می شد.

این جا بود که جبرئیل امین بر حضرت نازل شده و آیه شریفه «تبلیغ»^۱ را بر حضرت نازل فرموده و به ایشان این دستور الهی را منتقل ساخت که علی(ع) را بر نقطه ای مرتفع قرار داده و پیام الهی را در خصوص جانشینی وی پس از رسول خدا(ص) و ضرورت اطاعت از وی از سوی همگان را بر ایشان ابلاغ نماید. تا ابتدای کاروان به منطقه جحفه رسیده بود که ناگهان دستور توقف از سوی پیامبر(ص) صادر شد مسلمانان با صدای بلند پیش افتادگان را دعوت به بازگشت کردند تا عقب افتاده گان نیز برسند، ابتدای ظهر بود هوا بسیار گرم، نه سایانی در صحرا به چشم می خورد و نه سبزه و گیاه و درختی به چشم می خورد. تنها پنج درخت کمنیل و روکی بود که نقش سایه بان در آن گرمای سوزان داشت که آن را نیز پیامبر دسره داده بودند که کاروان ها از جلوس در زیر آن ها خودداری ورزیده و زیر آن ها با محمل اشتران، منبری بلند بسازند.

همراهان رسول خدا(ص) از شدت گرما مقداری از لباس را روی سر و مقداری زیر پا می نهادند، پارچه ای را بر چکی از آن درختان لخت و عریان افکندند تا سایبان برای پیامبر(ص) باشد، مؤذن پیامبر از آن ظاهر را گفت، مرد و زن با شتاب برای نماز آماده شدند، پیامبر نماز ظهر را به جماعت ختم نمود، هنگامی که نماز پایان یافت پیامبر آنها را دعوت به نشستن کرد تا یک پیام باندهی را از جانب خداوند متعال به آنها ابلاغ کند جمعیت عظیم بود آنانی که از پیام باندهی فاصله داشتند

۱ المائدة: ۶۷ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای. و خدا تو را از - گزند - مردم نگاه می دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی کند.

قیافه ملکوتی آن حضرت را در لابلای مردم نمی توانستند مشاهده کنند، لذا منبری از جهاز شتران ترتیب دادند.

پس از پایان نماز ظهر، پیامبر(ص) بر فراز جهاز اشتران قرار گرفته و با صدای بلند سخنان خویش را چنین آغاز کرد:

أحمد لله ونستعينه ونؤمن به، ون توكل عليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا الذي لا هادي لمن ضل، ولا مضل لمن هدى، وأشهد أن لا إله إلا الله، وأن محمدا عبده ورسوله - أما بعد - : أيها الناس قد نبأني اللطيف الخبير أنه لم يعمر نبي إلا مثل نصف عمر الذي قبله، واني أوشك أن ادعى فأجبت، وإني مسؤول وأنتم مسؤولون، فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلغت ونصحت وجهدت فجزاك الله خير ما قال أَلستم تشهدون أن لا إله إلا الله، وأن محمدا عبده ورسوله، وأن جنته حق ووعده حق وأن الموت حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور؟ قالوا: بلى، نشهد بذلك، قال: أَللهُم اشهد، ثم قال: أيها الناس ألا تسمعون؟ قالوا: نعم.

قال: فإني فرط على الحوض، وأنتم واردون على الحوض، إن عرضه ما بين صنعاء وبصرى فيه أقداح عدد النجوم من فضة فانظروا كتب تنوبوني في الثقلين فنادی مناد : وما الثقلان يا رسول الله ؟

قال: الثقل الأكبر كتاب الله طرف بيد الله عزوجل وطرف اليك فتمسكوا به لا تضلوا، والآخر الأصغر عترتي، وإن اللطيف الخبير نبأني أنها من بصرى حتى يراد علي الحوض فسألت ذلك لهما ري، فلا تقدموهما فتهلکوا، ولا تاتروا عنهما فتهلکوا، ثم أخذ بيد علي فرفعها حتى رؤى بياض آباطهما وعرفه القوم، فسمعون، فقال: أيها الناس من أولى الناس بالمؤمنين من أنفسهم؟

قالوا: الله ورسوله أعلم.

قال: إن الله مولاي وأنا مولی المؤمنین و أنا أولى بهم من أنفسهم فمن كنت مولاه فعلي مولاه، يقولها ثلاث مرات، ثم قال: أَللهُمَّ وال من والاه، وعاد من عاداه، وأحب

من أحبه، وأبغض من أبغضه، وانصر من نصره، واخذل من خذله، وأدر الحق معه حيث دار، ألا فليبلغ الشاهد الغائب، ثم لم يترفقا حتى نزل أمين وحى الله بقوله: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) الآية.

فقال رسول الله (ص): الله اكبر على اكمال الدين، وإتمام النعمة، ورضى الرب برسالتي، والولاية لعلي من بعدي.

ستایش مخصوص خداوند است، ما از او کمک می خواهیم، و به او ایمان می آوریم، و بر او توکل می کنیم، و از شر نفس و زشتی کردارمان به او پناه می بریم، آن خدایی که هدایت کننده کسی نیست که گمراه گشته، و گمراه کننده کسی نیست که هدایت یافته، و گواهی می دهیم که معبودی نیست جز خداوند و محمد بنده فرستاده اوست.

اما بعد: ای مردم خدا را لطیف و خبیر مرا خبر داده که هیچ پیامبری عمر نکرده مگر به مقدار نصف عمر پیام قبل از خود، و من نزدیک است (به سوی سفر آخرت) خوانده شوم و جرات گویم و همانا من مسؤول هستم و شما هم مسؤول هستید، پس شما چه خواهید گفت؟

مردم در جواب گفتند: گواهی می دهیم که تبار کردی و پند دادی و کوشیدی، خداوند پاداش نیکت دهد.

رسول خدا (ص) فرمود: آیا شما گواهی نمی دهید که معبودی جز خداوند نیست، و محمد بنده و فرستاده اوست، و بهشت او حق و جهنم حق است، و مرگ حق است، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و خداوند همه کسانی را که در قبرها هستند زنده خواهد کرد؟

مردم گفتند: آری، ما گواهی می دهیم.

رسول خدا (ص) فرمود: بار خدایا گواه باش.

سپس فرمود: آیا صدای مرا می شنوید؟

مردم گفتند: آری.

فرمود: همانا من پیش از شما به حوض کوثر (در قیامت) می رسم شما در کنار حوض بر من وارد می شوید عرض حوض کوثر به اندازه مسافت میان صنعاء و بصری^۱ است در آن حوض، جام هایی از نقره به تعداد ستارگان است، حال بنگرید بعد از من، نسبت به دو چیز گران سنگ، که در میان شما بجا گذاشتم چگونه رفتار می کنید؟

مردی از من توده های انبوه جمعیت، فریاد برآورد: یا رسول الله آن دو چیز نفیس چیستند؟

پیامبر(ص) فرمود: کعب خدا که ثقل اکبر است طرفی از آن به دست خدای عزوجل است و طرفی به شما، پس بدان چنگ زنید تا گمراه نشوید، دیگری عترتم که ثقل اصغر است همان خدای لطیف و خبیر مرا آگاه ساخته که این دو هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض به من برسند، پس از پروردگارم درباره آن دو مسئلت جسمم، اگر از آن دو پیش می افتید هلاک می شوید و اگر از آن دو پس می افتید هلاک می شوید.

آنگاه رسول خدا (ص)، دست علی(ع) را گرفت و بند کرد به طوری که سفیدی زیر بغل دستانشان را مردم دیدند و همه علی را شناختند.

رسول خدا(ص) فرمود: ای مردم چه کسی از همه مردم نسبت به مؤمنین، از خود آنها سزاوارتر است؟

مردم گفتند: خدا و رسولش داناترند.

پیامبر(ص) فرمود: خدا مولای من است، و من مولای مؤمنانم، و من نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم، پس هر کس که من مولای او هستم علی مولای

۱ از آبادی های حوران در اطراف دمشق است.

اوست. این جمله را سه بار تکرار کرد. به نقل احمد ابن حنبل (امام حنبلی ها) چهار بار تکرار کرد.

سپس رسول خدا فرمود: خداوندا! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، و محبوب بدار آن کس که او را محبوب دارد و مبغوض بدار آن کس که او را مبغوض دارد، یارانش را یاری کن و آنان که از یاری اش دریغ می ورزند یاور مباش، و حق را همواره با علی همراه ساز.

بعد فرمود: آگاه باشید، همه حاضران باید این پیام را به غایبان برسانند.

بر سبب نقل راویان حدیث، هنوز مردم متفرق نشده بودند که فرشته وحی جبریل امین فرود آورد و این آیه را بر پیامبر (ص) خواند: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) یعنی امروز آیین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را آیین برگزیدم.

در این هنگام پیامبر (ص) فرمود: (الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتی و الولاية علی من بعدی) خدا بزرگتر است بر اکمال دین، و اتمام نعمتش بر ما، و پروردگار رسالت من و ولایت علی از بعد من خوشنود گشت.

پس از آن بود که مردم به محض علی (ع) شرفیاب شده و به او تبریک و تهنیت می گفتند، از افراد سرشناسی که به او تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که خطاب به علی (ع) می گفتند: خوشا به حالت ای پیامبر! مولا ی هر زن و مرد مومنی شدی.^۲ ابن عباس نیز گفت: سوگند به خدا که تعهد بر ولایت امیرالمؤمنین (ع) بر ذمه و عهده قوم ثابت و برقرار شد و همه گردنگیر شدند.^۳

در این حال حسان بن ثابت شاعر معروف رو به پیامبر کرد و گفت ای رسول خدا به من اجازه دهید که درباره علی ابیاتی از شعر را بسرایم که این قوم آن

ابیات را بشنوند! حضرت رسول الله (ص) فرمودند: با استمداد از برکات خدا! بگو.
 حسان بن ثابت برخاسته، و سپس رو به مردم کرده و گفت: ای بزرگان، و ای
 شیوخ قریش! من پس از آنکه شهادت می دهم که گفتار رسول خدا درباره ولایت
 علی نافذ و مورد قبول است، گفتار خود را بدین ابیات دنبال می کنم:

یناد یهم یوم القدیر نبیهم	بخم فاسمع بالرسول منادیا
و قد جاءه جبریل عن امر	ربه بانک معصوم فلا تک وانیا
و بعهم ما انزل الله ربههم	الیک و لا تخش هناک الا عادیا
فقام بجه اذ ناک افصح کفه	بکف علی معلن الصوت عالیا
فقال: فمن منکم لیکم	فقالوا و لم یبدوا هناک تعامیا
الهک مولانا و لیس و لینهما	و لن تجدن فینا لک الیوم عاصیا
فقال له: قم یا علی فانی	رضیک من بعدی اماما و هادیا
فمن کنت مولاه فهذا ولیه	فکونوا له انصار صدق موالیا
هناک دعا اللهم وال ولیه	ما کن للذی عادی علیا معادیا
فیا رب انصر ناصریه لنصرهم	مام هدی کالبدر یجلو الدیاجیا ^۱

۱ در روز غدیر خم، پیغمبر این قوم و جمعیت، این قوم را ندا می کند، و چقدر ندای او پیغمبر که منادی
 است شنوا کننده و فهماننده است.

در حالی که جبرائیل به امر پروردگارش آمده بود، و چنین اعلام کرده بود که تو در عصمت و رسالت خدا
 هستی پس در بیان و ابلاغ این امر سستی مکن!

و برسان و تبلیغ کن به مردم آنچه را که از طرف پروردگارشان به تو نازل شده است، و در آنجا از دشمنی و
 عداوت دشمنان مترس، و هراس نداشته باش!

پس پیغمبر، علی را بپا داشت، و در آن هنگام با دست خود دست علی را گرفته و بلند کرده بود، و با صدای
 بلند اعلان نموده و نشان می داد.

پس رسول خدا فرمود: ای مردم مولا و ولی شما کیست؟! و آن قوم بدون آنکه تجاهلی کرده باشند گفتند:

چون حسان این اشعار را سرود، رسول خدا(ص) به او فرمودند: «یا حسان لا تزال مؤیداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانك» ای حسان تو پیوسته از طرف روح القدس تایید می شوی، تا هنگامی که ما را با زبانت یاری می کنی.

برخی از علما همین ابیات حسان بن ثابت را در کتب خود ذکر کرده اند که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

- ۱- حافظ ابوعبدالله مرزبانی محمد بن عمران خراسانی؛ متوفی ۳۷۸ ه. ق. در کتاب «مرقاۃ الشعر».
- ۲- حافظ خرکوشی ابوسعید؛ متوفی ۴۰۶ ه. ق. در کتاب «شرف المصطفی».
- ۳- حافظ بن مردویه اصفهانی؛ متوفی ۴۱۰ ه. ق. در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب».
- ۴- حافظ ابوعبید اصفهانی؛ متوفی ۴۳۰ ه. ق. در کتاب «ما نزل من القرآن فی علی».
- ۵- حافظ ابوسعید سیستانی؛ متوفی ۴۷۷ ه. ق. در کتاب «کتاب الولاية».

خدای تو مولای ماست! و تو ولی ما هستی! امروز در میان ما هیچکس را مخالف خود که از فرمان تو سرپیچی کند نمی یابی!

در این حال پیامبر به علی فرمود: برخیز ای علی! من راضی هستم. خوشایند دارم که تو پس از من امام و هادی امت باشی.

پس ای مردم! هر کس که من مولای او هستم، اینک علی ولی اوست و شما مردم یاران صدیق و موالیان راستین او در هر حال بوده باشید!

در آنجاست که پیامبر دعا کرد: باز پروردگار من! تو ولایت کسی را داشته باش که او ولایت علی را دارد! و نسبت به کسی که با علی خصومت ورزد، دشمن باش.

ای پروردگار من! تو یاری کن کسانی را که علی را یاری می کنند به جهت یاری کردنشان. علی آن پیشوای هدایت است که همچون ماه شب چهاردهم ظلمت ها را می شکافد، و تاریکی ها را نور می بخشد.

۶- حافظ ابوالفتح نطنزی؛ متوفی ۵۵۰ ه. ق. در کتاب «الخصائص العلویة علی سائر البریة».

۷- اخطب الخطباء خوارزمی مالکی؛ متوفی ۵۶۸ ه. ق. در کتاب «مقتل الامام السبط الشهید» و کتاب «المناقب».

۸- ابو مظفر سبط حافظ بن جوزی حنفی؛ متوفی ۶۵۴ ه. ق. در کتاب «تذکرة خواص الأئمة».

۹- ابو حنیفہ کنجی شافعی؛ متوفی ۶۵۸ ه. ق. در کتاب «کفاية الطالب».

۱۰- شیخ الاسلام ابوالدین حموی؛ متوفی ۷۲۲ ه. ق. در کتاب «فرائد السمطين».

۱۱- حافظ جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی شمس الدین حنفی؛ متوفی ۷۵۰ ه. ق. در کتاب «نظم در اسمائین».

۱۲- حافظ جلال الدین سیوطی؛ متوفی ۹۱۱ ه. ق. در کتاب «رسالة الازدهار فيما عقده الشعراء من الأشعار».

به طور قطع افراد بیشتری از علما و فضلا علمای اهل سنت اقدام به ثبت اشعار غدیر حسان ابن ثابت در کتب خود نموده اند که بررسی و یادآوری همه آنها خارج از ماموریت و توان این نوشتار خواهد بود. همین رو به همین اندازه بسنده شده و وارد ماموریت اصلی کتاب می شویم.

